

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

آندریوف کوریکو

برگردان از: حمید محوی

۳۰ نومبر ۲۰۱۹

جریان تظاهرات کنونی در ایران از خارج هدایت نمی شود

مرکز پژوهشهای جهانی سازی، ۲۷ نومبر ۲۰۱۹



مشکل ایران این نیست که نیروهای خارجی در کشور هرج و مرج اخیر را تشویق و یا حتا از مخربترین آشوبگران [حرفه ئی] پشتیبانی می کنند. مشکل اصلی این است که اکثریت عظیم شرکت کنندگان در این تظاهراتی که در سراسر کشور به وقوع پیوست دلایل خوبی برای آمدن به خیابان داشتند، و جنبش اصیل مردمی را نمایندگی می کردند.

در ایران، از وقتی که دولت قیمت بنزین را افزایش داد، هر لیتر ۴۰۰۰ ریال (تقریباً ۰،۰۹ یورو) در هفته گذشته، راهکار سهمیه بندی را تحمیل کرد که ۶۰ لیتر در ماه است تا بتواند پرداخت مستقیم به خانواده ها را تأمین کند و در عین حال از فعالیت قاچاق بنزین جلوگیری کند زیرا برخی از رژیم کمک مالی که پیش از این وجود داشت سوء استفاده می کردند. شهروندان ایرانی تا پیش از این می توانستند تا ۲۵۰ لیتر بنزین در ماه را به قیمت ۱۰۰۰۰ ریال خریداری کنند، ولی از این پس باید ۳۰۰۰۰ ریال فراتر از ۶۰ لیتر بپردازند. گرچه قیمت بنزین نسبت به

استانداردهای غربی خیلی اندک به نظر می رسد ولی برای ایرانیان متوسط با توجه به بحران اقتصادی که گریبان کشور را گرفته خیلی سنگین است. بحران اقتصادی اندک اندک به دلیل اعلام مجازات های یک جانبه و به اجراء گذاشتن آن توسط ایالات متحده آمریکا رو به وخامت گذاشته است. در این روزهای گذشته هیچ جای شگفتی نیست که ده ها هزار نفر برای اعتراض به چنین تصمیمی به خیابان آمده باشند، زیرا این رویداد در پیوند با بی اطمینانی فزاینده در مورد آینده اقتصادی ایران شرکت دارد. ولی پس از این که برخی آشوبگران به مأموران پولیس حمله کردند، آتش سوزی به راه انداختند و برخی ساختمانها را اشغال کردند برخی از تظاهرکنندگان نیز در پی آنان دست به حرکات خشونت آمیز زدند.

رئیس جمهور روحانی اعلام کرد که «تظاهرات و اعتراض حق قانونی مردم است ولی چنین امری با ایجاد هرج و مرج فرق دارد»، سپس او قویاً هشدار داد که اقدامات سرکوب فوری خواهد بود و اظهار داشت که «ما نمی توانیم اجازه دهیم که با شورش نا امنی بر کشور غلبه کند».

آیت الله^۱ به سهم خود هوشمندانه از ابراز عقیده درباره حکمت افزایش قیمت اخیر خود داری کرد و اظهار داشت که «در این زمینه کارشناس نیست»، ولی با تصمیم دولت درباره اصلی که رهبران سه شاخه دولت پس از مشاورت کارشناسان صلاحیت دار بر سر آن توافق کرده اند ابراز همبستگی کرد. رهبر معظم تأیید کرد که «بی گمان مردم نگرانند یا از چنین تصمیمی خشمگین شده اند» ولی در عین حال «هولیکان» و «اوباش» را که اخیراً دست به «اعمال تخریبگرانه» زده اند متهم دانست. او اظهار داشت که این موضوع «به ناامنی و مشکلات دیگر دامن می زند» و «بدترین مصیبت برای همه کشور و برای همه جامعه است».

او [آیت الله] بی گمان روی این موضوع حق دارد و در عین حال حق دارد هشدار دهد که «همه مراکز مغرض جهان که علیه ما اقدام می کنند این اعمال [خرابکارانه] را تشویق کرده اند... از خاندان پهلوی بد سرشت مصیبت آور تا فرقه تروریست منافقین که دائماً چنین اعمالی را از طریق شبکه های اجتماعی و کانالهای دیگر تشویق می کنند».

ولی مشکل ایران نیروهای خارجی نیست که از دیدگاه سیاسی اغتشاشات را تشویق می کند، و نه حتا تا حدودی پشتیبانی از آتش بیاران در ارتکاب به اعمال خشونت آمیز، مسأله این است که اکثریت شرکت کنندگان در این تظاهرات ملی به دلایل بحق و قانونی به خیابان سرازیر شدند و یک جریان اصیل مردمی را تشکیل می دهند. نیروهای انتظامی نیز حق دارند آنانی را که به اعمال جنایتکارانه علیه مردم و یا اعمال تروریستی علیه دولت دست می زنند سرکوب کنند، ولی منحصر دانستن اتهامات به مأموران خارجی در رویدادهای اخیر، ساده اندیشی خواهد بود. گرچه ایالات متحده مستقیماً از چندین سال پیش مسؤول اختلال اقتصادی در ایران است، این امر «سیاسی ناخوش آیند» یعنی سیاست تحریم طبیعتاً موفق به ایجاد شرایطی شد که مردم را گهگاه به خیابان کشاند (و به ویژه پس از رویدادهای «مسبب» مانند افزایش اخیر قیمت بنزین)، که متعاقباً (خواسته یا ناخواسته) به «سپر انسانی» تبدیل شد تا عوامل شورشی پشت آنان علیه دولت دست به حملات تهاجمی بزنند^۲. تا وقتی که توده های معترض در

^۱ [Quant à l'Ayatollah](#)

^۲ مترجم: نشانه های عینی حاکی از این امر است که این عملیات تهاجمی از خارج نیز هدایت شده است. برخی ویدئوها حتا تظاهر کنندگان را به حمل سلاح سرد تشویق کرده و این عمل را به بهانه «دفاع از خود» توجیه می کند. علاوه بر این داستان واقعه دیگری وجود دارد که حاکی انتقال فهرست اسامی افرادی ست که از طریق ترکیه به کشور ثالثی برای آموزش خرابکاری در چارچوب جنگ ترکیبی مسافرت کرده بودند، ولی چرخ گردان چنین می خواهد که سرویس اطلاعاتی ترکیه این فهرست را در اختیار اطلاعات ایران قرار می دهد. این داستان واقعه که باید خیلی با احتیاط از آن یاد کنیم، حتا می گوید که افزایش قیمت بنزین به شکلی که به وقوع پیوست، یعنی بی مقدمه و نابهنگام، در واقع دام سرویس های اطلاعاتی ایران برای جلوگیری از انداختن عملیات این افراد به ثبت رسیده در فهرست ترکیه بود. زیرا در

خیابانها هستند می توانند طبیعتاً سپر بالای آنان باشند و از آنان «حفاظت» کنند، نیروهای انتظامی نیز در پاسخ به اغتشاشگران از بیم «خسارات جانبی» خود داری می کنند.

با توجه به سر ریز شدن اغتشاشات اخیر و با سرعتی که در سراسر کشور گسترش یافت، و شدت برخی تظاهرات شورشگرانه، اغراق نگفته ایم اگر بگوئیم که ایران با آغاز یک بحران روبه رو می باشد که اگر راه حل مناسبی پیدا نکند می تواند براحتی در مسیرهای غیر قابل کنترولی به جریان بیفتد. این روند می تواند به بی ثباتی خودگردان بینجامد و به این ترتیب مداخله خارجی در امور داخلی کشور را تسهیل کند.

کلید در کنترل خشم مردم و تفکیک تظاهر کنندگان قانونی از شورشی های حرفه ئی ست، و این امر امکان پذیر خواهد بود، فقط در صورتی که دولت اعطای امتیازاتی را بپذیرد تا آنان را برای ترک خیابانها تشویق کند. ولی این «اعطای امتیاز» نیز خالی از خطر نیست زیرا در عین حال می تواند به تظاهر کنندگان و شورشی های (حرفه ئی) که خود را پشت آنان پنهان کرده اند شهادت بیشتری بدهد، ولی پذیرش این خطر ارزش آزمون آن را خواهد داشت. آیت الله با هوشمندی از ابراز عقیده درباره افزایش قیمت خود داری کرد و به پشتیبانی از اصلی که رهبران سه شاخه دولت درباره آن تصمیم گرفته بودند بسنده نمود و به گونه ای که در حاشیه امکان مانور خودش را برای پیشنهاد «راه حل مصالحه جویانه» در صورتی که ضروری بداند حفظ کرد. این موضوع می تواند برخی از غیر مردمی ترین مقامات مسؤول در این تصمیم گیری را مثل فیوز بپراند.

اگر دولت بخواهد در موضع نفی هر گونه «واگذاری امتیاز» (نمادینه یا اساسی) پافشاری کند، پیش از پاسخ گوئی قدرتمندانه (با استفاده از ابزار سرکوب) به شورشی ها، در خطر رادیکالیزاسیون اکثریت تظاهرکنندگانی قرار خواهد گرفت که تابع قانون بوده و با نیت بحق و صادقانه به میدان آمده اند. در نتیجه، این گروه از مردم معترض قانونمدار در معرض دو آتش قرار می گیرند و به این ترتیب هسته پویای انقلاب رنگی^۳ رو به وخامت خواهد گذاشت یعنی همان چیزی که دولت می خواهد با آن مقابله کند. علاوه بر این، هر گونه تلاش برای معرفی جنبش اعتراضی به عنوان پی آمد صرفاً مداخله خارجی حامل این خطر هست که شکایات اقتصادی واقعی [و بحق] مردم بی اعتبار و غیر قانونی تعبیر شود، و دولت را از هر گونه مسؤولیتی در بحران تبرئه کند. با وجود این، با توجه به ناآرامی های اخیر در عراق و همسایگانش در لبنان، دولت باید درک می کرد که وقت مناسبی را برای افزایش قیمت بنزین انتخاب نکرده است.

ساخت و ساز جنگ ترکیبی گاهی به شکل اتفاقی «رویداد مسبب» یا «رویداد آغازگر» می تواند برنامه اغتشاش را به جلو بیندازد و نمونه اعلام ناگهانی افزایش بنزین بود که رویداد «مسبب یا محرک» (بخوانید فرصت طلایی) به عنوان علامت برای آغاز اغتشاش، تقویم کار خرابکاران را تسریع کرد. روشن است که پادشاهی نئولیبرالیسم به پشتیبانی خود ولایت فقیه و دستگاه دین اسلام در ایران در جایگاه مانیفست تبعیض و طبیعتاً خشونت طبقاتی با اتکاء به معادلهای قدسی و کلام قصار و ورد جادویی همه تروریستهای ساکن بورژوازی و باستی هیلزهای جهان «انشاء الله»، خیلی پیش از عرضه «رویداد مسبب یا فرصت طلایی» برای شورشیان، شکاف طلایی اجتماعی و اقتصادی را برای توفیق جنگ ترکیبی فراهم کرده اند، توطئه های خارجی بی گمان از فقر گسترده که به یاری همه قدیس های گرامی (ع) و معجزه گر میان بیش از ۸۰ میلیون ایرانی تقسیم شده تا لذت زندگی آنان را از کار عبادت باز ندارد، بخوبی و به همان اندازه هوشمندانه که سرویسهای اطلاعاتی خوش شانس ایرانی استفاده می کنند. تکنولوژی امریکائی در ابداع جنگ ترکیبی، دائماً در جست و جوی شکافهای طلایی ست تا نه فقط آن را وخیم تر کند بلکه از آن بهره برداری و بخوانید بار گیری کند. به دوستانی که به موضوع جنگ ترکیبی می پردازند، پیشنهاد می کنم روی حرکات ایالات متحده و اپوزیسیون پنتاگونی مزدور خائن چندان پافشاری نکنیم، چون که اینها را می شناسیم و می دانیم که ضربه از کجا می آید و فوراً گارد می گیریم، این گارد گیری و دفاع در ما درون سازی شده و در فلات و قاره ایران پنج هزار ساله است، ولی باید در بارگاه هارون الرشید دقت نظر بیشتری داشته باشیم، بیشتر باستی هیلز را نگاه کنیم، بنگاه های معاملات ملکی، خصوصی سازی ها را نگاه کنیم، ابزارهای جنگ ترکیبی علیه ما اینها نیز هستند.

³ [révolution de couleur](#)

در اینجا موضوع این نیست که بگویم دولت «سزاوار» چنین پاسخی بوده، ولی این واکنش با وجود مسائل امنیتی در ابعاد منطقه‌ی کاملاً پیشبینی پذیر بود^۴. دولت حق دارد به شکلی که مناسب می‌داند به شورشیان پاسخ بگوید، همانگونه که حق دارد سیاستهایش را به اجرا بگذارد، ولی این مجموعه باید با مسؤولیت همراه باشد به شکلی که شانس بازگشت آشوب را تقلیل دهد و توفیق اقداماتی را که به اجراء می‌گذارد تضمین کند. تا وقتی که ناآرامی‌های جاری به هدایت نیروهای مردمی^۵ ادامه یابد مشکلات امنیتی ایران اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/les-manifestations-qui-se-deroulent-actuellement-en-iran-ne-sont-pas-pilotees-depuis-letranger/5639267>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/ پاریس/ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹

^۴ مترجم : به پا ورقی شماره ۲ مراجعه کنید. به نظر می‌رسد که کریکو هنوز از ماجرای انتقال فهرست شورشیان حرفه‌ای از سوی سرویس اطلاعاتی ترکیه به ایران بی‌اطلاع است. البته در صورتی که چنین گزارشی حقیقت داشته باشد. شورش پیش از آن که خواست شورشگران باشد خواست خود دولت بوده است تا تدارکات جنگ ترکیبی را ناکام بگذارد. برخی از ناکام ماندن ۲ میلیارد دلار گفته اند که بن سلمان برای این عملیات هزینه کرده بود.

^۵ مترجم : همان گونه که محمد رضا حناخه اخیراً در مقاله‌ای زیر عنوان «بنزین و مبارزه اقتصادی کارگران»، منتشر شده در مجله هفته ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹، نوشته است : «بدون ابزارهای نبرد، کارگران در رویدادهای آینده آلت دست بورژوازی داخلی و بورژوازی امپریالیستی می‌شوند». این نظریه کاملاً صحیح و ستراتیژیک است، مردم ایران این واقعیت تاریخی اجتماعی را در سال ۱۳۵۷ در فروپاشی نظام شاهنشاهی امریکائی تجربه کردند، زیرا استبداد حاکم هیچ رقیبی را بر نمی‌تابید، و نقد اجتماعی جائی نداشت (عملکردی نیز نداشت)، و مردم هیچ مؤسسه‌ای به جز مسجد و دستگاه دین اسلام نداشتند. امروز ممنوعیت نقد در دین اسلام که قانون اساسی کشور ما را برای «ابد و ازل» مهر و موم کرده است در حد وظیفه دینی ارتقاء یافته. در نتیجه تا وقتی حزب فقط حزب الله باشد شکاف‌های «طلائی» برای جنگ ترکیبی در جامعه ایران آینده‌ای «درخشان» خواهند داشت و چنان که پیروز شود باری دیگر ایران و ایرانیان را در ظلمت ابدی و ازلی دیگری فرو خواهد برد. از این دیدگاه، جمهوری اسلامی با تمام دار و دسته‌های ننو لیبرال و با تمام باستی هیلزها و خصوصی سازیهایشان به همان اندازه در تبنای با جنگ ترکیبی هستند که اپوزیسیون‌های پنتاگونی مزدور خائن. امروز که ۱۴۰۰ سال از کشتار مردم استخر می‌گذرد، دستگاه دین اسلام به عنوان مانیفست طبقه حاکم در وابستگی فنی (دست کم وابستگی فنی به بیان خود حضرت آیت الله) به کشورهای امپریالیستی و حتا به خود امریکا (دست کم برای خرید گندم) در پی خصوصی سازی مهمترین امور ستراتیژیک کشور است، حتا خصوصی سازی در ارتش، و خصوصی‌ها را تا مقام قهرمان ملی ارتقاء داده اند تا تارو پود حیات اجتماعی ایران را بیش از پیش به گروگان یک عده اوباش سیاسی و اقتصادی درآورد. الگوی متعالی این خصوصی سازی کشورهای اروپائی مانند فرانسه است که امروز مردم فرانسه را با واسکت زرد به خیابانها کشانده و سوژه‌های سرمایه دار مانند [بارون ارنست آنتوان سلیر دو لاپورد] کارفرمای کارفرمایان فرانسه شجاعانه می‌گوید «ما آن چیزی هستیم که داریم» یعنی این که هویت ما به مال و ثروت ما بستگی دارد و به همین علت امانول مکرون چندی پیش گفته بود «افرادی هستند که همه چیز هستند و افرادی هستند که هیچ چیز نیستند». حالا باید بدانیم این ثروتها از کجا در حساب یک عده جمع شده؟ حالا رژیم اسلامی می‌خواهد پا جای پای دزدان سرگردنه اروپائی بگذارد. خوشبختانه در ایران استادان جامعه شناس و دانشجویانشان با واژگان بورديو مانند «خشونت نمادینه» آشنائی دارند، این خشونت همان خشونت طبقاتی ست. آنانی که می‌خواهند خطر جنگ ترکیبی را از کشور ما دور کنند و تلاشهای دشمنان ایران را ناکام بگذارند، باید به فکر شکافها باشند که یکی از ابزارهای جنگی در جنگ ترکیبی علیه ماست. دیوارهای باستی هیلز یک شکاف عظیم است.